



ضرورت حفظ آبرو و شخصیت زندانی از منظر فقه

دکتر جواد سرخوش^۱

راضیه دالائی^۲

چکیده

در شریعت مقدّس اسلام، مجازات زندان به عنوان کیفر تعداد محدودی از جرایم وضع شده است. از سوی دیگر در اندیشه‌ی دینی، برای شخص زندانی حقوقی تعیین شده که یکی از آنها، حفظ آبرو و شخصیت زندانی در جهت حفظ کرامت او است. دین اسلام به حفظ آبروی افراد اهتمام ویژه‌ای داشته، احترام به حیثیت افراد در هر مقام و موقعیتی را، از تکالیف افراد و حکومت می‌داند و همین امر، ضرورت بحث از موضوع فوق را مشخص می‌کند. در قانون اساسی نیز برای تحقق این امر، راهکارهایی ذکر شده است. کرامت ذاتی، اصل شخصی بودن مجازات‌ها، اطلاق روایات و برخی مسائل دیگر، از مستندات ضرورت حفظ آبرو و شخصیت زندانی هستند که در این مقاله به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها:

^۱ دانشیار دانشگاه الزّهراء (سلام‌الله‌علیها) و گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده‌ی مسئول) e-mail: j.sarkhosh@alzahra.ac.ir

^۲ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه الزّهراء (سلام‌الله‌علیها) e-mail: rdalae@gmail.com



آبرو، عرض، شخصیت، کرامت، زندانی

مقدمه

جامعیت دین اسلام یکی از مبانی اعتقادی مسلمانان است. این دین بزرگ چگونگی سیر در ابعاد گوناگون زندگی را برای انسانها بیان کرده است. موضوع زندان و زندانی از موضوعات مهمی است که دنیا و به ویژه سازمانهای حقوق بشر و نظایر آن را به خود مشغول ساخته است. بسیاری از دولتها در نظام زندانها و مراعات حقوق زندانیان مرتکب خطا شدهاند. (حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۳۸۴ هـ ش: ص ۹) در این میان دین مبین اسلام که آزادیهای فردی و اجتماعی را در جنبه‌های مختلف زندگی تضمین کرده و بر شرافت انسان به عنوان حقی عام و فراگیر تأکید دارد، (عبداللهی، فاطمه، امری، مرضیه، ۱۳۹۵ هـ ش: ص ۱۰۲) زندان را فقط برای موقعیتهای بسیار ضروری پیش بینی کرده و برای زندان و زندانیان بهترین شیوه و آیین را ترسیم کرده است به گونه‌ای که همهی حقوق زندانیان به مفهوم واقعی کلمه تأمین گردد.

یکی از این حقوق، حفظ آبرو و شخصیت زندانی است. جنبه‌ی اجتماعی شخصیت و منزلتی که شخص در نظر دیگران دارد، آبرو و اعتبار او است (امیری نژاد، زهرا، ۱۳۹۳ هـ ش: ص ۳۷) که پدیده‌ای اجتماعی بوده و در جریان رشد شخصیت انسان شکل می‌گیرد. آبروداری از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در زندگی فردی و اجتماعی اشخاص برخوردار است. زیرا با عزت، حیثیت، اعتبار و موقعیت افراد ارتباط تنگاتنگی دارد. بنابراین رعایت آبروداری جزئی از حقوق شهروندی افراد است. (همان، ص ۶۵)



حفظ و صیانت آبرو و عرض به معنای حفظ همه‌ی آن چیزی است که انسانیت انسان را می‌سازد. زیرا جان زمانی می‌ارزد که اصول انسانی آن حفظ شده باشد. در غیر این صورت، جان بی‌اصول انسانی برای انسان‌ها کمترین ارزش را دارد. چرا که شرافت و کرامت انسانی برای خود انسان ارزشمندتر از هر چیزی است. از این رو انسان‌ها جان و مال خویش را برای عرض خویش و دیگران فدا می‌کنند؛ ولی کسی عرض خویش را برای جان و مال فدا نمی‌کند مگر آنکه از فطرت انسانی خود خارج شده باشد. به عبارت دیگر، حفظ آبرو و صیانت آن، یعنی حفظ شخصیت انسانی خود و دیگران، مهم‌ترین چیزی است که انسان آن را به عنوان امنیت خواهان است. به طوری که اگر امنیت شخصیتی او تأمین نشده باشد، گویی هیچ چیز برای او تأمین نشده است. (تقوی، سید عباس، بی‌تا: ص ۲)

اسلام برای حرمت و آبروی مسلمانان ارزش و اهمیت زیادی قائل است و احترام به حیثیت افراد در هر مقام و موقعیتی را، از تکالیف افراد و حکومت دانسته، اعمال هر گونه مظاهر خشونت و رفتار غیر انسانی با زندانی را تحریم کرده است. (حسینی شیرازی، سید محمد، همان، ص ۱۰) در عصر حاضر علمای حقوق جزاء معتقدند که مجازات حبس و زندان صرف نظر از نقش پیشگیری، یعنی منصرف کردن بزهکار از گرایش دوباره به ارتکاب جرم یا منصرف کردن سایر شهروندان، باید عامل اصلی اصلاح و تربیت دوباره‌ی محکومان باشد. (امیری نژاد، زهرا، همان، صص ۱۴-۱۳)

انتساب جرم سبب وارد شدن خسارات مادی و معنوی به متهم و خانواده‌ی او گردیده، موجبات بدبینی اطرافیان نسبت به آن‌ها را فراهم می‌آورد و در نتیجه موقعیت و جایگاه اجتماعی‌شان را در معرض خطر قرار می‌دهد. بنابراین اهتمام اسلام به حفظ آبروی افراد و اهمیت اجتماعی خانواده، ضرورت بحث از موضوع فوق را مشخص می‌کند.

اگرچه برخی از اندیشمندان اسلامی در رابطه با حقوق زندانیان تحقیقاتی انجام داده و کتبی تألیف کرده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به "حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام" اثر شیخ نجم الدین طبری و "حقوق



زندانی در اسلام" اثر آیت الله سید محمد حسینی شیرازی اشاره کرد، اما مسأله‌ی حفظ آبرو و شخصیت زندانی، از مسائلی است که اخیراً به صورت مستقل مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

از آنجا که حفظ حقوق افراد، عاملی برای پایداری آنها به مراعات حقوق دیگران است، هدف اصلی تحقیق حاضر که تحقیقی بنیادی-کاربردی است و با مراجعه به اسناد و مدارک کتابخانه‌ای صورت گرفته، بیان مستندات دینی مربوط به ضرورت حفظ آبرو و شخصیت زندانیان است که پس از ارائه‌ی کلیات بحث، به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم شناسی

در زبان عربی واژه‌های فراوانی به معنی و مفهوم زندان دلالت می‌کنند که مشهورترین آنها، دو واژه‌ی «سجن» و «حبس» می‌باشد.

واژه‌ی «سجن» در لغت به معنی زندان (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۶ هـ ش: ص ۲۰۶) و واژه‌ی «حبس» به معنی مانع شدن، نگه داشتن و بازداشتن است. (همان، ص ۱۰۴)

در کتاب صحاح اللغه آمده است:

«سجن» به معنی زندان و «سجن»، مصدر و به معنی زندانی کردن می‌باشد. «سجنه» نیز به معنی «حبسه» است. یعنی او را بازداشت کرد. (جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ هـ ق: ج ۵، ص ۲۱۳۳) واژه‌ی «حبس» نیز، ضد تخلیه و گشودگی است و «تحبس علی کذا» یعنی خود را به آن امر مقید و پایبند ساخت. (همان، ج ۳، ص ۹۱۵)

دایره‌المعارف علوم اسلامی قضایی، حبس را اینگونه تعریف نموده است:

«حبس» در لغت منع کردن است. زیرا کسی که حبس می‌شود، ممنوع از خروج از مکان معین است. حبس به معنی محبس و زندان نیز آمده است. سجن نیز به معنی زندان کیفری است. (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۱ هـ ش: ج ۱، ص ۵۲۹)



«حبس» در اصطلاح قانون نیز، سلب آزادی و اختیار رفت و آمد در مدت معین یا نامعین است که حالت

انتظار و ترخیص در آن نباشد. (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۰ هـ ش: ص ۲۷۶)

در معنای اصطلاحی دو واژه «سجن» و «حبس» اختلاف خاصی دیده نمی‌شود و معنا و قدر مشترک بین آنها، مفهوم زندان است.

واژه «کرامت» مأخوذ از ماده‌ی «کرم» و کریم به معنی نفیس و عزیز است. (الفیومی، احمد بن محمد، ۱۴۰۵ هـ ق: ص ۵۳۱) در مفردات آمده که اگر کرم وصف خدا واقع شود، مراد از آن احسان و انعام آشکار خدا است و اگر وصف انسان باشد، نام اخلاق و افعال پسندیده‌ی او است که از وی ظاهر گردد. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، همان، ص ۳۸۱)

«کرامت» نیز به معنی نزهت از پستی و فرومایگی (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۶ هـ ش: ص ۲۱) و نحوه‌ی وجود و هستی خاصی است که کامل‌ترین مصداق آن برای خدای سبحان ثابت است. (همان، ص ۷)

در اسناد بین المللی هنگام اشاره به این موضوع، غالباً از عبارت حیثیت انسانی استفاده شده است. به عنوان نمونه در منشور سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۵ م از کرامت به عنوان حیثیت و ارزش شخصیت انسان تعبیر شده است. (ناصر زاده، هوشنگ، ۱۳۷۲ هـ ش: ص ۳۱۵)

واژه «آبرو» در لغت به معنی اعتبار، قدر، جاه، شرف، عرض و ناموس است و آبروی کسی را ریختن، به معنی مفتضح نمودن او می‌باشد. (معین، محمد، ۱۳۸۴ هـ ش: ص ۲۵)

آبروی هر کس همان شخصیتی است که انسان در طول زندگی می‌سازد و آن را کسب می‌کند. البته عرض و آبروی انسان محدود به شخصیت درونی و شاکله‌ی وجودی او نیست؛ بلکه هر آن چیزی که به این شخصیت و شخص مربوط است و در حقیقت شخصیت اجتماعی او را شکل می‌دهد، در حکم عرض و آبروی او است. (تقوی، سید عباس، همان، ص ۲)

واژه «عرض» نیز در لغت به معنی نفس، (الفیومی، احمد بن محمد، همان، ص ۴۰۴) ذات، آبرو، ناموس و شرف (معین، محمد، همان، ص ۸۳۲) و در اصطلاح به معنی حیثیت (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، همان، ص ۴۸۸) است.



۲. پیشینه تاریخی نحوه رفتار با زندانیان

در گذشته اگر کسی مرتکب جرمی می شد، هر برخوردی با وی مجاز و مجازات‌ها، نامتناسب با نوع جرم و بسیار شدید بود. در دوران خلافت امویان و عباسیان، دیدگاه اسلام مبنی بر ممنوعیت شکنجه و آزار مردم، نادیده انگاشته شد. (وائلی، احمد، ۱۳۶۴ هـ ش: صص ۳۹۴ و ۴۲۰) به عنوان نمونه، حجاج بن یوسف یکی از عمال بنی امیه بود که به گواهی تاریخ، در هنگام مرگ وی پنجاه هزار مرد و سی هزار زن در زندان وحشتناک او زندانی بودند که شانزده هزار نفر آن‌ها عریان و بی لباس بودند. (پیشوایی، مهدی، ۱۳۹۱ هـ ش: ص ۲۶۱) حجاج زنان و مردان را در یک جا زندانی می کرد و زندان‌های وی بدون سقف بود. از این رو زندانیان از گرمای تابستان و سرما و باران زمستان در امان نبودند. (مسعودی، علی بن الحسین، ۱۹۶۵ م: ج ۳، صص ۱۶۷-۱۶۶)

وضعیت نابه‌سامان زندانیان و رفتارهای غیر انسانی با آن‌ها در بسیاری از کشورها به خصوص در غرب، سبب انجام اقداماتی از سوی اندیشمندان در جهت توجه دادن به شخصیت زندانیان و بروز مخالفت آنان با اجرای اینگونه مجازات‌ها گردید.

در حال حاضر در ایران بهترین و صریح‌ترین متن قانونی در زمینه کرامت انسانی زندانیان، آیین نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی می‌باشد. همچنین تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، نقطه‌ی عطفی در زمینه‌ی حفظ حقوق و حرمت زندانیان می‌باشد. (امیری نژاد، زهرا، همان، ص ۱۲)

۳. مبانی فقهی ضرورت حفظ آبرو و شخصیت زندانی

۳.۱. کرامت انسانی



ریشه‌ی توجّه اسلام به مسأله‌ی آبروی انسانی را باید در جایگاه ارزشی همه‌ی انسان‌ها در بینش و نگرش قرآنی جست. قرآن انسان را موجودی برخوردار از کرامت و شرافت ذاتی و طبیعی دانسته و در بیان مقام ارزش ذاتی انسان می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾: و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را (بر مرکب) در برّ و بحر سوار کردیم و از غذاهای پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری کامل بخشیدیم. (سوره الاسراء: آیه ۷۰)

علّامه طباطبایی (رحمه‌الله) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«این آیه در سیاق منت نهادن است. البتّه متّی که آمیخته با عتاب باشد. گویی خدای تعالی پس از آن که فراوانی نعمت و تواتر فضل و کرم خود را نسبت به انسان ذکر نمود و او را برای به دست آوردن آن نعمت‌ها و رزق‌ها و برای این که زندگی‌اش در خشکی به خوبی اداره شود، سوار بر کشتی کرد و او پروردگار خود را فراموش نموده و از وی رو گردانید ... از همین جا معلوم می‌شود که مراد از آیه صرف نظر از کرامت‌های خاصّ و فضائل روحی و معنوی که به عده‌ای اختصاص دارد، بیان حال جنس بشر است. بنابراین این آیه، مشرکین، کفّار و فاسقین را زیر نظر دارد. زیرا در غیر این صورت مقصود از آن، انسان‌های خوب و مطیع بود و معنای امتنان و عتاب درست در نمی‌آمد.»

(طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ هـ ش: ج ۱۳، ص ۲۱۴)

در میان روایات نیز، نمونه‌های فراوانی گواه این مطلب است. به عنوان نمونه پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در خطبه‌ی وداع که در ایّام تشریق در منا ایراد کردند، فرمودند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَلَا إِنَّ رَبِّكُمْ وَأَحَدًا إِنَّ آبَائَكُمْ وَأَحَدًا أَلَا لَأَفْضَلُ لِعَرَبِيٍّ عَلَى أَعْجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ أَلَا بِالتَّقْوَى»: ای مردم بدانید خدای شما یکی است و پدرتان یکی، نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب و نه سیاهپوست بر



گندمگون و نه گندمگون بر سیاهپوست، مگر به تقوا. (سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۱ هـ ق: ج

۷، ص ۵۰۴)

این سخن پیامبر گرامی اسلام، ناظر به اصل کرامت ذاتی انسان است که همه‌ی انسان‌ها در آن برابرند و تنها ملاک برتری، تقوا است. کرامت ذاتی، حیثیتی طبیعی است که در وجود انسان بما هو انسان به ودیعت نهاده شده و شرافت انسان نسبت به سایر موجودات را نشان می‌دهد. این نوع کرامت و شرافت، که خداوند متعال به انسان عطا فرموده است، برخی تکالیف و مسئولیت‌ها را متوجه انسان می‌سازد. هر انسانی با هر رنگ و نژادی، از هر سرزمین و آب و خاکی و با هر عقیده و فرهنگی، به طور یکسان از کرامت، عزت و احترام برخوردار است و یکایک انسان‌ها، از آن رو که در ذات خود انسانند، دارای حیثیت انسانی برابر با دیگر انسان‌ها هستند. بنابراین کرامت و آزادگی متضمن حفظ شأن و منزلت انسان در تمام زمینه‌ها است. (خلیلیان اشکذری، محمد جمال، عسکری، قاسم، ۱۳۹۴ هـ ش: ص ۶۲) نوع دیگری از کرامت، کرامت اکتسابی و ارزشی است که انسان با اعمال اختیاری خود می‌تواند آن را برای خود ایجاد کند. این نوع کرامت در عرصه‌ی جامعه و اعطای مسئولیت‌های اجتماعی ملاک قرار می‌گیرد. (شبان نیا، قاسم، ۱۳۹۳ هـ ش: ص ۲۶)

خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی حجرات می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾: ای مردم ما همه‌ی شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه ملل بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. (سوره الحجرات: آیه ۱۳)

این آیه که تمام مردم را مخاطب قرار داده، از فرد کریمتر سخن گفته است. این یعنی ای مردم، همگی شما کریم هستید و از کرامت انسانی بهره‌مندید، لکن اکرم در میان شما با تقواترین شما است. (فخر رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰ هـ ق: ج ۲۸، ص ۱۱۴)



کرامت اکتسابی دستیابی به کمال‌هایی است که انسان در پرتو ایمان و اعمال صالح به صورت اختیاری به دست می‌آورد. این نوع کرامت با کوشش و تلاش اختیاری در مسیر تزکیه‌ی نفس و تحصیل معرفت و تقرّب به پروردگار متعال، در زندگی روزمره به دست می‌آید و با این کرامت است که واقعاً می‌توان انسانی را بر انسان دیگر برتر دانست. همه‌ی انسان‌ها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند، ولی برخی بدان دست می‌یابند و عده‌ای فاقد آن خواهند بود. بنابراین اسلام نوع خاصی از کرامت را برای انسان بما هو مؤمن قائل است که کرامت اکتسابی ارزشی است. انسانی که خود را در مسیر عبودیت و بندگی قرار دهد و در مسیر سیر الی الله حرکت نماید، واجد این کرامت خواهد شد و در زمره‌ی مکرمین عند الله قرار خواهد گرفت. (عابدی، احمد، منفرد، مهدی، ۱۳۹۱ هـ ش: ص ۷۲) تنها محور این کرامت، تقوا است که خود از سه رکن ایمان، عمل صالح و معرفت تشکیل شده است. پس هر یک از این سه رکن را می‌توان همچون تقوا، از عوامل و معیارهای کرامت به شمار آورد. (همان، صص ۸۳-۷۵)

عمده‌ترین تفاوت کرامت ذاتی و اکتسابی، آن است که کرامت ذاتی، غیر ارادی است و بی آن که آدمی در این امر دخالتی داشته باشد، خالق هستی آن را در وجود و ضمیرش به ودیعت نهاده است. دیگر آن که این موهبت کریمانه را فقط خود انسان می‌تواند با کردار کرامت سوز، کم رنگ کرده یا از بین ببرد. اگر انسان با اختیار و اراده‌ی خویش، آن چنان مرتکب جرائم و جنایات گردد و در گرداب و منجلاب گناه و تباهی فرو رود که از خویشتن خویش، فاصله‌های طولانی بگیرد، در واقع خود، انسانیت خویش را لگدکوب نموده، آن را به حیوانیت و اسفل السافلین سوق داده است. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۶ هـ ش: ج ۶، صص ۶۲-۶۱) اما رسیدن به کرامت ارزشی و اکتسابی، با اختیار و تلاش دائمی همراه است و با پرهیز از هر گونه بدی و زشتی ممکن است.

نکته‌ی مهم آن است که هر چند انسان با سعی و کوشش خویش به مراحل و مراتب والای کرامت می‌رسد و از هموعان خویش پیشی می‌گیرد، اما این نابرابری‌های اجتماعی که ممکن است امتیازهای اجتماعی را به دنبال داشته باشد، خللی به حقوق اوکیه‌ی آدمی که بر بنیان و بنیاد انسانیت او پی ریزی شده، وارد نمی‌آورد. (میر موسوی، سید علی، حقیقت، سید صادق، ۱۳۸۸ هـ ش: ص ۲۵۸) بنابراین انسان‌ها در کرامت ذاتی و



طبیعی برابرنند. ولی در کرامت اکتسابی الزاماً برابر نیستند. چرا که آن کرامت، ذاتی و درونی و این کرامت، به دست آوردنی و اکتسابی است. (گروهی از نویسندگان، همان، ص ۶۳)

مجرم نیز انسان است. اما انسانی که به راه خطا رفته است. پس او نیز به جهت انسانیت خویش، دارای عزت، احترام و کرامت ذاتی است. همانگونه که اطلاق آیات و روایات دالّ بر کرامت ذاتی گواه این مدعا است.

در بند ششم از اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر کرامت و ارزش والای انسان تأکید شده است و به موجب اصل بیست و دوم از قانون مذکور، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با الهام از تعالیم اسلامی، هتک حرمت به حیثیت افراد مجرم را به هر صورت که باشد، ممنوع اعلام کرده و بیان داشته است که هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و مستوجب مجازات است. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۹)

تأکید قانون اساسی بر رعایت حرمت و کرامت انسانی زندانیان، بیان کننده‌ی این واقعیت است که در نظام کیفری اسلام، اجرای مجازات با هدف پایمال کردن کرامت و حیثیت محکوم صورت نمی‌گیرد؛ بلکه با هدف تأدیب، تهذیب و اصلاح مجرمان صورت می‌گیرد تا زمینه‌ی بازگشت به جامعه فراهم شود. چرا که هتک حرمت افراد، باعث انزوای بیشتر آنها در خانواده و جامعه شده و زمینه‌ی جرائم بزرگتر را در پی خواهد داشت. (امیری نژاد، زهرا، همان، ص ۴۷)

هرچند بر اساس رویکردهای مادی گرایانه و تفسیرهای پوزیتیویستی^۱ از زندگی انسان، وجود طبیعی و مادی انسان، منشأ کرامت و بلکه مهمترین عامل آن است -همچنان که اعلامیه‌های حقوق بشر بر آن تأکید

^۱ پوزیتیویسم منطقی یکی از پرآوازه‌ترین مکتب‌های فلسفی سده‌ی اخیر است. این مکتب علیه مابعدالطبیعه شورش همه جانبه‌ای را سامان داد و اثبات پذیری تجربی را تنها معیار معناداری گزاره‌ها و قضایا دانست و بر این اساس گزاره‌های مابعدالطبیعی را به دلیل آن که قابل اثبات تجربی نیست، فاقد معنا برشمرد. (بلوردی، زهیر، بلوردی، طبیه، ۱۳۸۷ ه. ش: ص ۲۰) پوزیتیو در مقابل معانی خیالی، موهوم و فرضی و به معنای افکاری که دارای قطعیت علمی و ما به ازای خارجی باشد، به کار برده شده است. پیروان پوزیتیویسم، ثبوت هر امری بیرون از تجربه را انکار کرده، شناسایی را به قلمروی فیزیکی-شیمیایی منحصر نموده و علوم و آگاهی‌های انسان را به



دارند- اما از دیدگاه قرآن کریم سرّ برتری و منشأ کرامت انسان، نفخه‌ی روح الهی در او است که وی را مسجود ملائکه الله قرار داد. (وزیری فرد، سیّد محمّد جواد، محمودی، حامد، ۱۳۹۳ هـ ش: ص ۵۲)

آیت الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید:

«مایه‌ی کرامت آدم و نسل آدم، همان روح الهی است و چون خداوند این روح الهی را به انسان داد، فرمود: "فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ". قبل از مرحله‌ی انسانیت، همه‌ی آثار صُنعی که درباره‌ی انسان صورت پذیرفت، بین انسان و حیوانات دیگر مشترک است. یعنی اگر نطفه‌ای از صلب و ترائب خارج می‌شود و در رحم قرار می‌گیرد و اگر نطفه علقه می‌شود، بعد مضغه می‌گردد و بعد جنین می‌شود، این مراحل، هم در انسان است و هم در حیوانات. از این جهت، فرقی بین انسان و دیگر حیواناتها نیست. اگر در جنین، نفس نباتی هست و کم کم به مرحله‌ی نفس حیوانی می‌رسد، این تحویل در انسان و حیوان یکسان است. امتیاز انسان از سایر حیوانات در ناحیه‌ی روح الهی اوست.» (جوادی آملی، عبدالله، همان، صص ۹۸-۹۷)

۲.۳. اطلاق روایات

احادیث فراوانی بر وجوب حفظ آبروی مسلمین دلالت دارند که از اطلاق آنها، ضرورت حفظ آبروی زندانی هم استفاده می‌شود. در ادامه برخی از این روایات ذکر می‌گردد.

۱،۲،۳. قَالَ الْبَاقِرُ وَ الصَّادِقُ (عليهما السلام): «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاحِيَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِيَ عَلَيْهِ عَشْرَاتِهِ وَ زَلَّاتِهِ لِيُعَنَّفَهُ بِهَا يَوْمًا مَا»: نزدیک‌ترین زمان بنده به کفر هنگامی است که با مردی در دینش برادری کند تا لغزش‌ها و گمراهی‌هایش را بشمارد و روزی او را با آنها سرزنش کند. (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۷ هـ ش، ج ۴، ص ۶۶)

۲،۲،۳. قَالَ رَسُولُ اللهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَا تَتَّبِعُوا عَشْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَشْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ تَتَّبَعَ اللهُ عَشْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللهُ عَشْرَتَهُ يَفْضَحْهُ»: به دنبال کشف و فاش سازی لغزش‌های مسلمانان نباشید. زیرا وضع

آن بازگشت دادند. (اخباری، محسن، ۱۳۹۴ هـ ش: صص ۶۵-۶۴) مهمترین نظریه‌ی این مکتب آن است که علم، تنها حقیقت و معرفت معتبر و ممکن است و وظیفه‌ی فلسفه نیز، یافتن اصول مشترکی برای همه‌ی علوم و به کارگیری آن برای هدایت بشر است. (همان، صص ۱۱-۱۲)



اینگونه است که اگر کسی به دنبال کشف و فاش سازی لغزش‌های مسلمانان باشد، خداوند اسرار او را فاش می‌سازد و اگر کسی خداوند اسرارش را فاش سازد، خدا او را مفتضح نیز می‌گرداند. (همان، ص ۶۸)

این روایت بیانگر آن است که فاش سازی لغزش‌های افراد از جمله زندانی، موجب بی‌آبرویی آن‌ها در جامعه می‌گردد. بنابراین ضرورت حفظ آبروی افراد حتی فرد زندانی از آن استفاده می‌شود.

۳،۲،۳. قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): «مَنْ أَدَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِئِهَا وَمَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَكِبَهُ»: اگر کسی کار زشتی را فاش کند، چون کسی است که آن را آغاز کرده است و اگر کسی مؤمنی را به خاطر چیزی (گناهی) سرزنش کند، نمیرد تا آن را مرتکب شود. (همان، ص ۷۰)

۴،۲،۳. قال الصادق (عليه السلام): «مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رِوَايَةً يَرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مَرْوَةَ تَه لَيْسَقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ»: اگر کسی علیه مؤمنی چیزی بگوید که به وسیله‌ی آن می‌خواهد شخصیتش را بکوبد و او را از چشم مردم بیاندازد، خداوند او را از ولایت خود بیرون کرده، به شیطان وا می‌گذارد که البته شیطان هم او را نمی‌پذیرد.» (کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۷۴)

بنابراین از اطلاق روایاتی از این قبیل می‌توان نتیجه گرفت که هتک حرمت و آبروی افراد حتی فرد زندانی جایز نیست.

۳.۳. اصل شخصی بودن مجازات‌ها

یکی از اصول حاکم بر مجازات‌ها، اصل شخصی بودن مجازات‌ها است. (نوروزی فیروز، رحمت الله، ۱۳۹۰ ه. ش: ص ۱۰۰) منظور از اصل شخصی بودن مجازات‌ها این است که عدل و انصاف اقتضاء می‌کند که مجازات منحصراً دامنگیر شخص مجرم شده و به نزدیکان و اقربای او سرایت نکند. البته اگر چه این اصل صرف اعمال کیفر در مورد بزهکاران را مورد توجه قرار می‌دهد، اما نباید نادیده انگاشت که به هر تقدیر مجازات مجرم نمی‌تواند نسبت به خانواده‌ی او بی‌تأثیر باشد. بدون شک خانواده‌ی فرد محکوم به زندان، از فقدان او دچار تشویش، نگرانی و ناامنی می‌شوند و در این موارد مجازات به شکلی غیر مستقیم آن‌ها را نیز متأثر می‌سازد و در نتیجه اصل شخصی بودن محدود می‌گردد. در جوامع اولیه، مسئولیت فردی و اصل



شخصی بودن مجازات‌ها مطرح نبود و اگر کسی مرتکب جرمی می‌شد، نه تنها شخص بزهکار مورد تعقیب قرار می‌گرفت، بلکه تمام اقوام و اعضای خانواده‌ی او نیز از تعرض مصون نبوده و در مقابل عمل بزهکار مسئولیت داشتند (مینایی، علاء، بی‌تا: ص ۴۴) و در مناطقی که مردم به صورت قبیله و طایفه‌ای زندگی می‌کردند، قبیله‌ی مجنی‌علیه، خود را ملزم به دفاع و خونخواهی می‌دید و از سوی دیگر، قبیله‌ی جانی بدون توجه به جرم ارتكابی، از فرد خاطی حمایت کرده و به مقابله با قبیله‌ی دیگر می‌پرداخت. بنابراین اساس مجازات‌ها در این دوران دسته جمعی بوده است. (براتی میاب، مهدی، ۱۳۹۳ ه. ش: صص ۴۱-۴۰) برای نمونه اگر قتلی در میان اعراب جاهلی رخ می‌داد، مسئولیت عمده متوجه نزدیکترین خویشاوندان قاتل بود و چون معمولاً طایفه‌ی قاتل به حمایت از وی برمی‌خاستند، جریان انتقام به جنگ‌های خونین می‌انجامید. این جنگ‌ها که غالباً برای مسائل جزئی آغاز می‌گردید، سال‌ها به طول می‌انجامید. (پیشوایی، مهدی، ۱۳۸۹ ه. ش: ص ۴۳) یعنی پیش از تثبیت این اصل، مجازات علاوه بر مجرم، بر اشخاص دیگری بار می‌شد که به هیچ وجه در ارتکاب جرم دخالت نداشتند.

این مسائل تا زمان ظهور دین مبین اسلام ادامه داشت و کلام خدا در قرآن مجید این روش زشت و نکوهیده را رد کرد و مسئولیت فردی و اصل شخصی بودن مجازات‌ها را به وجود آورد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد. (سوره فاطر: آیه ۱۸؛ سوره الأنعام: آیه ۱۶۴؛ سوره الاسراء: آیه ۱۵؛ سوره الزمر: آیه ۷؛ سوره النجم: آیه ۳۸)

هر چند این آیه‌ی شریفه مربوط به آخرت و بیانگر نظام حقوقی سرای باقی است، ولی فقهاء از آن، معنای عام استنباط کرده، آن را در مجازات‌های دنیوی نیز اجرا نموده‌اند. (محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۹۱ ه. ش: ص ۱۶۳)

دکتر وهبه الزحیلی در تفسیر المنیر ذیل این آیه‌ی شریفه می‌گوید:

«این آیه بر مسئولیت شخصی انسان‌ها نسبت به اعمال خودشان دلالت دارد که این اصل یکی از

مفاخر اسلام است.» (الزحیلی، وهبه، ۱۴۳۲ ه. ق: ج ۸، ص ۳۸)



علّامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان ذیل آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء می‌فرماید:

«معنای آیه این است که عمل چه نیک باشد و چه بد، ملازم و دنبال صاحبش بوده و علیه او بایگانی می‌شود و در هنگام حساب، خود را در برابر صاحبش آفتابی می‌کند. بنابراین هرکس در راه و به سوی راه قدم نهد، برای خود و به نفع خود قدم نهاده و نفع هدایتش عائد خودش می‌شود نه غیر خود و کسی که در بیراهه و به سوی بیراهه قدم نهد، ضرر گمراهیش به خودش برمی‌گردد و دودش به چشم خودش می‌رود بدون این که به غیر خود کمترین ضرری برساند و هیچ نفسی بار گناه نفس دیگر را نمی‌کشد و آن طور که بعضی از اهل ضلالت می‌پندارند که اگر گمراهی کنند وزر گمراهیشان به گردن پیشوایانشان است و یا مقلّدین می‌پندارند که مسئولیت گمراهیشان به گردن پدران و نیاکان ایشان است و خود مسئولیتی ندارند، سخت در اشتباهند. آری آن وزری را که مجرمین دارند، پیشوایانشان نیز دارند. چرا که هر کس که سنت بدی را باب کند تا زمانی که در دنیا عاملی به آن سنت زشت وجود دارد، صاحب سنت نیز همی آن وزر را خواهد داشت.» (طباطبایی، سید محمد حسین، همان، ج ۱۳، صص ۷۸-۷۷)

در این آیات خداوند مسئولیت عمل را متوجه فاعل آن و مجازات فردی را جایگزین مجازات دسته جمعی نموده است. بنابراین در اسلام هرکس مسئول اعمال خویش است و تنها مجرم مجازات می‌بیند و دیگری مسئول اعمال او نیست.

علاوه بر آیات قرآن کریم، روایات، اجماع مسلمین و حکم عقل، از ادله‌ی اصل مذکور است. (محقق داماد، سید مصطفی، همان، ص ۱۶۳) در ادامه به ذکر برخی از این روایات پرداخته می‌شود.

۱. حضرت علی (علیه‌السلام) در وصیت خود به امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام) فرمودند: «يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، لَا أَلْفِينَكُمْ تَخَوْضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْضًا، تَقُولُونَ قَتَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. أَلَا لَا تَقْتُلُنَّ بِي إِذَا قَاتَلِي. أَنْظَرُوا إِذَا أَنَا مِتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هَذِهِ، فَأَضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بِضَرْبَتِهِ»: ای فرزندان عبدالمطلب، مبادا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید و دست به کشتار بزنید و بگوئید امیر مؤمنان کشته شد. بدانید جز کشته‌ی من کس دیگری نباید کشته شود. درست بنگرید. اگر من از ضربت او (ابن ملجم) مُردم، او را تنها یک ضربت بزنید. (نهج البلاغه، نامه ۴۷)



از نکات مهمی که در این حدیث مورد تأکید قرار گرفته، مسأله‌ی شخصی بودن مجازات است که به موجب آن، کسی جز قاتل نباید مستوجب مجازات شناخته شود. (براتی میاب، مهدی، همان، ص ۳۵)

۲. عن ابی داود عن ابی رمثه قال: «انطلقت مع ابی نحو النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) ثم ان النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) قال لابی: إبتک هذا؟ قال: ای و رب الكعبة، قال: حقاً أشهد به. قال: فتبسم النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) ضاحكاً من ثبت شبهی فی ابی و من حلف ابی علی. ثم قال: اما انه لیجینی علیک و لاتجینی علیه و قرأ رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «و لا تزر وازرة وزر اخرى»». ابوداود از ابورمته نقل می‌کند همراه پدرم به سوی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) رفتیم. پیامبر به پدرم فرمودند: این پسر تو است؟ پدرم عرض کرد قسم به پروردگار کعبه بله. پیامبر فرمودند: حقیقتاً به آن شهادت می‌دهم و تبسم فرمودند از اینکه چقدر شباهت من به پدرم زیاد است و پدرم بر آن سوگند خورد. سپس پیامبر فرمودند: ولی بدان که او جنایت تو را به عهده نمی‌گیرد و تو نمی‌توانی جنایت او را به عهده بگیری و قرائت فرمودند: «و لا تزر وازرة وزر اخرى».

(القرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد الانصاری، ۱۳۶۴ هـ. ش: ج ۷، صص ۱۵۸-۱۵۷)

با این که اصل شخصی بودن مجازات‌ها در قوانین کیفری پذیرفته شده است، اما به نظر می‌رسد اصل مذکور در اجرای مجازات زندان رعایت نمی‌گردد. زیرا زندان به عنوان یک واقعیت اجتماعی، دارای کارکرد منفی و مثبت می‌باشد. کارکرد مثبتش تأدیب و اصلاح رفتارهای ناهنجار زندانی است، ولی کارکردهای منفی زیادی دارد که در دو سطح فردی و میانی (خانواده‌ی زندانی)، مورد تحلیل جامعه‌شناختی قرار می‌-

گیرد. (امیری نژاد، زهرا، همان، ص ۵۷)

ممکن است زندان بیماری اجتماعی را تشدید کند به طوری که فرد زندانی در سطحی قرار می‌گیرد که تجارب بیشتری در زمینه‌ی انحرافات کسب کرده و به همین دلیل با بازگشت مجدد برخی زندانیان به زندان مواجه هستیم.

در سطح میانی نیز، زندان برای خانواده‌ی زندانی مشکلاتی از قبیل اجتماعی شدن فرزندان با تک والد خود، امکان تکرار جرم توسط اعضای دیگر خانواده مثل فرزندان، فشارهای هنجاری از طرف همسایگان و آشنایان بر خانواده‌ی زندانی، از هم گسیختگی خانواده و ... را به وجود می‌آورد که همه‌ی این موارد به



ضرر جامعه تمام می‌شود و زمینه‌ی بازگشت مجدد زندانی را فراهم می‌کند تا جایی که حتی پس از آزادی از زندان، به نوعی از سوی اطرافیان طرد می‌شود. (عبدی، عباس، ۱۳۹۳ ه. ش: صص ۷۸-۶۸؛ حسینی شیرازی، سید محمد، همان، ص ۴۶) همچنین زندانیان در طول دوران حبس، شغل خود را از دست می‌دهند و حتی اگر بعد از آزادی به مشاغل غیر دولتی روی بیاورند، کمتر از جانب مشتریان مورد استقبال قرار می‌گیرند و افراد در صورت اطلاع از سابقه‌ی کیفری آن‌ها، تا حد امکان از ایشان دوری می‌گزینند که این امر منجر به بروز مشکلات تأمین معاش برای زندانیان می‌گردد. همین مطلب می‌تواند زمینه را برای انحرافات اخلاقی فرد زندانی و اعضای خانواده‌ی او فراهم کند. (شیخاوندی، داور، ۱۳۵۰ ه. ش: صص ۸۱-۸۵؛ حسینی شیرازی، سید محمد، همان، ص ۴۷)

بنابراین اگر آبروی زندانی حفظ نگردد، مشکلات متعددی برای خانواده‌ی او ایجاد می‌شود و این امر با اصل شخصی بودن مجازات منافات دارد. همچنین با مروری بر تأثیرات منفی زندان بر زندانی و خانواده‌ی او، می‌توان چنین تبیین کرد که اگر به وجود یک نظام اجتماعی مثل جامعه معتقد باشیم و اگر بپذیریم این نظام اجتماعی دارای اجزائی است که با همدیگر پیوندی دارند و همبستگی آن‌ها با هم به بقای نظام اجتماعی کمک می‌کند، متوجه می‌شویم که عملکرد افراد و جامعه در حفظ آبرو و شخصیت زندانی، می‌تواند پیامدهای مثبتی برای جامعه و فرد زندانی داشته باشد. زیرا افراد برای حفظ آبرو و حیثیت خود و خانواده‌ی‌شان، از بسیاری از اعمال خودداری می‌کنند. این در حالی است که اگر آبروی آن‌ها ریخته شود، ترسی برای انجام جرائم ندارند. فرد زندانی نیز، بعد از خروج از زندان اگر از آبرو و اعتبار در جامعه برخوردار نباشد، با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود و حتی ممکن است در جامعه طرد شود که منجر به بازگشت مجدد وی به زندان می‌شود. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که آبروی آن‌ها در تمام مراحل حفظ گردد. (امیری نژاد، زهرا، همان، صص ۵۹-۵۸)

۴. راهکارهای حفظ آبرو و شخصیت زندانی

یکی از راهکارهای اعمال کرامت و شخصیت در مورد زندانیان، اجرای صحیح و دقیق قوانین و مقررات قانون اساسی و آیین نامه‌ی سازمان زندان‌ها می‌باشد. در این آیین نامه برخی از حقوق زندانیان ذکر شده



است. پس توجّه به حقوق زندانیان نیز، از جمله‌ی این راهکارها می‌باشد. به علاوه پس از اثبات کرامت ذاتی برای همه‌ی انسان‌ها از جمله شخص زندانی، ذکر این نکته حائز اهمّیت است که لازمه‌ی کرامت انسانی زندانی، برخورداری او از برخی حقوق می‌باشد. زیرا هر گونه رفتاری غیر از مجازات از پیش تعیین شده، خلاف کرامت مجرم است و باید با مجرم به گونه‌ای رفتار شود که نوع نگاه و نگرش ما به او منفی نشود و او از حقوق اجتماعی و انسانی خود محروم نگردد. در غیر این صورت، میزان مجازات و نوع آن افزایش یافته، متکثّر شده و چنین امری خود نوعی اجحاف و ظلم و ستم بر مجرم است. البته گاهی مقتضای مجازات، نوعی محروم سازی مجرم از برخی حقوق اجتماعی است. ولی این امر باید مشخص و معین باشد. (فیروزی، مهدی، ۱۳۸۵ هـ ش: صص ۱۲۰-۱۱۴ به نقل از امیری نژاد، زهرا، همان، صص ۷۹-۷۸)

بنابراین فردی که جنایتی را مرتکب شده، صرفاً باید در حدود جرم ارتكابی مجازات شود و با توجّه به فلسفه‌ی مجازات‌ها در اسلام، انجام جرم از سوی او، موجب هتک حرمت او و توهین به او نمی‌گردد. هدف آن است که شخص از بدی و گناه فاصله بگیرد نه این که با رفتارهای نامناسب و از بین بردن آبروی او، او را بر انجام مجدد جرائم جری کرده و همه‌ی راه‌های اصلاحی را بر او بست. (امیری نژاد، زهرا، همان، صص ۶۸-۶۷)

بنابراین حتی در صورتی که بدانیم با اعمال مجازات، هدف مذکور تحقق نمی‌یابد، به منظور بازداشتن سایر افراد جامعه از ارتكاب جرم و تأمین امنیّت اجتماعی، باید فرد جانی را بر اساس مقرّرات اسلامی مجازات کرد. زیرا از دید اسلام، جرم یک بیماری است که باید درمان گردد تا از سرایت به دیگر اعضاء و نیز نابودی شخص گرفتار جلوگیری شود. مجازات نیز از باب علاج و طبابت است نه تشفی و انتقام. (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ هـ ش: صص ۶۸۴)

از سوی دیگر، اصلاح نگرش جامعه نسبت به زندان و زندانی و افزایش سطح آگاهی جامعه از اموری است که باید در راستای رعایت حرمت و کرامت زندانیان صورت بگیرد. (امیری نژاد، زهرا، همان، صص ۱۰۷-۱۰۵)



The banner features a blue and white background with a world map. On the left, there is a logo with scales of justice and a book labeled 'LAW'. In the center, a golden scale of justice stands next to a wooden gavel resting on a book labeled 'LAW'. On the right, the text is as follows:

همایش بین المللی حقوق و فقه اسلامی
International Conference on Law and Islamic jurisprudence
web:lawjui.ir
Gmail: 1thlawjui@gmail.com
تلفن / فکس: ۰۱۱-۳۳۲۴۴۹۹۶
۰۲۱-۴۲۶۹۳۴۳۲

نتیجه گیری و پیشنهاد



همایش بین المللی حقوق و فقه اسلامی
International Conference on Law and Islamic jurisprudence

web: lawjui.ir
Gmail: 1thlawjui@gmail.com

تلفن/ فکس: ۰۱۱-۳۳۲۴۴۹۹۶
۰۲۱-۴۲۶۹۳۴۳۲

با توجه به پذیرش زندان به عنوان یکی از مجازات‌ها از سوی اسلام، زندان به عنوان مانعی برای ارتکاب جرم و موجب تنبّه و پشیمانی زندانی است و همه‌ی سخت‌گیری‌ها و آسان‌گیری‌ها نسبت به زندانیان، باید با همین ملاک شرعی صورت بگیرد. به عبارت دیگر همه‌ی کیفرهای شرعی از جمله زندان، به انگیزه‌ی اصلاح فرد و تأمین مصالح جامعه تشریح شده و باید با همین انگیزه اعمال شود نه با انگیزه‌ی تحقیر شخصیت مجرمان و زندانیان. فرد زندانی نیز از آن حیث که انسان است، از حقوق انسانی خویش بهره‌مند است. زیرا او نیز دارای کرامت ذاتی است. از جمله‌ی این حقوق، حفظ آبرو و شخصیت زندانیان می‌باشد و تمایل به آبروداری، از بارزترین جلوه‌های برتری و کرامت انسان است. علاوه بر کرامت ذاتی، اطلاق روایات و اصل شخصی بودن مجازات‌ها، بر ضرورت حفظ آبرو و شخصیت زندانیان دلالت دارند.

در پایان پیشنهاد می‌گردد آموزش‌های لازم جهت برخورد صحیح با زندانی پس از رهایی او از زندان، صورت گرفته و از طریق وسایل ارتباط جمعی در این زمینه فرهنگ سازی شود تا زندانیان نیز به عنوان عضوی از جامعه، از حقوق شهروندی خود برخوردار شوند. آموزش مهارت‌های نظری و عملی مؤثر به مدیران زندان‌ها و کادر زیر مجموعه‌ی آن‌ها در مورد نحوه‌ی ارتباط و رفتار با زندانی نیز، از مسائل مهمی است که در کنار مددکاری اجتماعی، به آماده سازی زندانیان برای بازگشت به روند طبیعی زندگی در جامعه کمک می‌کند.



فهرست منابع و مآخذ

کتاب:

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. اخباری، محسن (۱۳۹۴ هـ ش)، درآمدی بر مکاتب فلسفی معاصر غرب: پوزیتیویسم، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم)

۲. براتی میاب، مهدی (۱۳۹۳ هـ ش)، قاعده‌ی وزر، اصل شخصی بودن مجازات‌ها، تهران: مجد

۳. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (۱۳۸۴ هـ ش)، اندیشه‌ی سیاسی در گفتمان علوی، قم: بوستان

کتاب

۴. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۹ هـ ش)، تاریخ اسلام، قم: دفتر نشر معارف

۵. _____ (۱۳۹۱ هـ ش)، سیره‌ی پیشوایان، قم: مؤسسه‌ی امام صادق (علیه السلام)

۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱ هـ ش)، دایرة المعارف علوم اسلامی قضایی، ج ۱، تهران: گنج

دانش



۷. (۱۳۹۰ هـ ش)، وسيط

در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش

۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶ هـ ش)، کرامت در قرآن، مرکز نشر فرهنگی رجاء

۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ هـ ق)، صحاح اللّغة، ج ۳ و ۵، بیروت: دارالعلم للملایین

۱۰. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۳۸۴ هـ ش)، حقوق زندانی در اسلام، مترجم: مصطفی فضائلی، مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)

۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۶ هـ ش)، مفردات الفاظ القرآن، مترجم: مصطفی رحیمی نیا، نشر سبحان

۱۲. الزحیلی، وهبة (۱۴۱۱ هـ ق)، تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ج ۸، دمشق: دارالفکر

۱۳. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۱ هـ ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۷، بیروت: داراحیاء التراث العربی
۱۴. شیخاوندی، داور (۱۳۵۰ هـ ش)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی

۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ هـ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳ و ۱۸، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم

۱۶. عابدی، احمد، منفرد، مهدی (۱۳۹۱ هـ ش)، کرامت انسان، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه- السلام)

۱۷. عبدی، عباس (۱۳۹۳ هـ ش)، تأثیر زندان بر زندانی، تهران: جامعه شناسان

۱۸. فخر رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ هـ ق)، مفاتیح الغیب، ج ۲۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی

۱۹. الفیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ هـ ق)، المصباح المنیر، قم: دارالهجرة

۲۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



۲۱. القرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد الانصاری (۱۳۶۴ هـ. ش)، الجامع لأحكام القرآن، ج ۷، تهران: ناصر

خسرو

۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ هـ ش)، الکافی، ج ۴، مترجم: صادق حسن زاده، انتشارات قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)

۲۳. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۶ هـ ش)، مجموعه آثار همایش امام خمینی و قلمرو دین «کرامت انسان»، ج ۶، تهران: عروج

۲۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۱ هـ ش)، قواعد فقه جزایی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی

۲۵. مسعودی، علی بن الحسین (۱۹۶۵ م)، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۳، بیروت: دارالاندلس

۲۶. معین، محمد (۱۳۸۴ هـ ش)، فرهنگ فارسی، انتشارات راه رشد

۲۷. میر موسوی، سید علی، حقیقت، سید صادق (۱۳۸۸ هـ ش)، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی

۲۸. ناصر زاده، هوشنگ (۱۳۷۲ هـ ش)، اعلامیه‌های حقوق بشر، مؤسسه‌ی انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)

۲۹. نوروزی فیروز، رحمت الله (۱۳۹۰ هـ ش)، حقوق جزای عمومی مجازات، تهران: نشر میزان

۳۰. وائلی، احمد (۱۳۶۴ هـ ش)، احکام زندان در اسلام، مترجم: محمد حسن بکائی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

مقالات:

۱. بلوردی، زهیر، بلوردی، طیبه (۱۳۸۷ هـ ش)، پوزیتیویسم منطقی، مجله‌ی معارف، شماره‌ی ۶۲، (صص

۲۰-۲۷)



۲. تقوی، سید عباس (بی‌تا)، اخلاق اجتماعی، صیانت از عرض خود و دیگران، خبرگزاری اهل بیت (علیهم‌السلام) - ابنا

۳. خلیلیان اشکذری، محمدجمال، عسکری، قاسم (۱۳۹۴ هـ ش)، جایگاه کرامت و آزادگی در پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره‌ی ۵۹، (صص ۶۴-۳۳)

۴. شبان نیا، قاسم (۱۳۹۳ هـ ش)، ساز و کارهای فقه اسلامی در احیاء و تثبیت کرامت انسانی، مجله‌ی معرفت سیاسی، شماره‌ی اول، (صص ۴۲-۲۵)

۵. عبداللّهی، فاطمه، امری، مرضیه (۱۳۹۵ هـ ش)، بررسی علل و عوامل هتک حرمت و آبروی مؤمن و راه‌های حفظ آن در قرآن و حدیث، دو فصلنامه‌ی علمی- اختصاصی مطالعات تطبیقی حقوق بشر، شماره‌ی اول، (صص ۱۱۷-۱۰۱)

۶. مینایی، علاء (بی‌تا)، اصل شخصی بودن مجازات‌ها، فصلنامه‌ی پزشکی شخصی، (صص ۴۵-۴۴)

۷. وزیری فرد، سید محمد جواد، محمودی، حامد (۱۳۹۳ هـ ش)، کرامت انسانی و مجازات مرتد در نظام کیفری اسلام، مجله‌ی پژوهش‌های اخلاقی، شماره‌ی سوم، (صص ۵۸-۴۱)

پایان نامه‌ها:

۱. امیری نژاد، زهرا (۱۳۹۳ هـ ش)، ضرورت حفظ آبرو و شخصیت زندانیان در فقه و حقوق موضوعه، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد